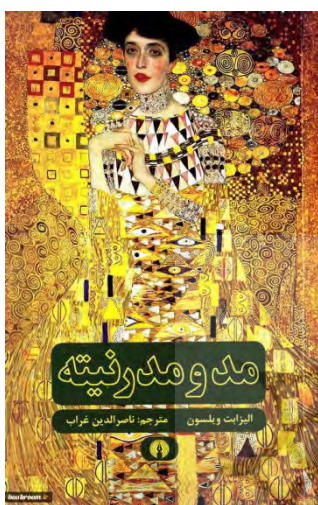


معرفی کتاب «مد و مدرنیته»

عصمت پیرحیاتی*



نویسنده: الیزابت ویلسون

مترجم: ناصرالدین غراب

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

صفحات: ۳۸۸ صفحه

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

ناشر: انتشارات علمی فرهنگی

سال نشر: ۱۳۹۴

کتاب *مد و مدرنیته* اثری کلاسیک در حوزه جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی تألیف الیزابت ویلسون^۱ است. نویسنده کتاب نوشتن را از دهه هفتاد میلادی آغاز کرد. او نویسنده و پژوهشگری شناخته‌شده در حوزه سیاسی، جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی است که در سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ استاد مطالعات فرهنگی در دانشگاه متروپولیتن^۲ لندن بود، تا اینکه در همان سال (۲۰۰۱) بازنشسته و به تدریس مشغول شد. از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ استاد مدعو در دانشکده مد در دانشگاه هنر لندن بود و در همین سال‌ها، در سمت استاد مهمان در دانشگاه‌های استنفورد^۳ و دانشکده گلداسمیت^۴

* کارشناسی ارشد پژوهش هنر. رایانامه: aytsmat23@gmail.com

1. E. Wilson
2. Metropolitan
3. Stanford
4. Goldsmith

دانشگاه لندن و دانشگاه استکهلم، مجموعه‌ای از سخنرانی‌های علمی را برای دانشجویان ارائه داد. الیزابت ویلسون کتاب‌های متعددی در زمینه‌های جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی به رشته تحریر درآورده است. همچنین وی در زمینه داستان‌نویسی نیز مهارت دارد و چند اثر داستانی از خود منتشر کرده است. *مد و مدرنیته* اولین بار در سال ۱۹۸۵ انتشار و در سال ۲۰۰۳ تجدید چاپ شده است.

کتاب *مد و مدرنیته* یکی از پژوهش‌های کلاسیک در زمینه مد محسوب می‌شود که تاریخ اجتماعی و فرهنگی مد و ارتباط آن با مدرنیته را تشریح می‌کند. شاید نویسنده از اولین کسانی باشد که قدرت مد را در بر ساختن هویت سوژه غربی از یک سو و فروپاشاندن آن از سوی دیگر نشان می‌دهد. او مد را یکی از اشکال تناقض‌آمیز مدرنیته معرفی می‌کند. کتاب مذکور تا حد زیادی اهمیت مد را در عصر حاضر بازگو می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه این امر ظاهری و سطحی با تحولات اجتماعی و فرهنگی جوامع برآمده از مدرنیته یا درگیر با پیامدهای آن گره خورده است و نقض‌ها، خلاءها و تضادهای آن را به نمایش می‌گذارد. نویسنده معتقد است «در جهان مادی، لباس‌ها نگران‌کننده‌ترین اشیاء هستند، زیرا آنها از نزدیک با بدن انسان و چرخه حیات او درگیراند. آنها شیء هستند، اما تصویر نیز هستند. آنها زیرکانه‌تر از بسیاری از اشیاء و کالاها ارتباط برقرار می‌کنند، دقیقاً به این دلیل که رابطه صمیمی با بدن ما و خودمان دارند و به همین علت است که ما هم از «زبان» و هم از «روان‌شناسی» لباس صحبت می‌کنیم» (ص ۱۱). کتاب *مد و مدرنیته* کاوشی در ماهیت چندوجهی لباس و ابهامات آن است و پژوهشی ابتکاری است. این کتاب از این نظر حائز اهمیت است که علاوه بر اینکه در ادامه مطالعات دو دهه گذشته در حوزه مد و لباس قرار می‌گیرد حوزه‌ها و روش‌های متفاوتی را نیز مطرح می‌کند و گذشته و حال را به هم پیوند می‌زند. نویسنده معتقد است گیرایی لباس نکته‌ای محوری است، اما لباس اغلب برای شگفت‌زده کردن، اعمال نفوذ و ایجاد دافعه و جاذبه به کار گرفته می‌شود. لباس، در واقع، آن قدر بی‌ثبات است که ترسیم ماهیت آن تقریباً دور از دسترس است. این موضوع از این جهت برای جامعه دینی ما حائز اهمیت است که ما نیز در مقابل این پدیده مدرن با احتیاط رفتار

معرفی کتاب «مد و مدرنیته» ❖ ۲۰۳

کرده‌ایم و این سؤال مطرح می‌شود که آیا این پدیده برای ما تهدید است یا می‌تواند به فرصتی برای بیان و نشر آموزه‌های دینی تبدیل شود؟

نویسنده در فصل اول که مقدمه کتاب را به خود اختصاص می‌دهد، به طرح مسئله مد و ابعاد آن می‌پردازد. این بخش نشان می‌دهد که چرا اساساً مد و پرداختن به آن حائز اهمیت است. در فصل دوم، تاریخ مختصر و کوتاهی از مد، از زمان پیدایش آن در دربار پادشاهان و در شهرهای تجاری تا در دوره صنعتی شدن و شهرهای بزرگ بیان و به نقش مد در ایجاد تمایز روزافزون میان عوام و خواص و شکل‌گیری «فردگرایی مدرن» پرداخته می‌شود. فصل سوم، تحت عنوان تبیین‌های نارواست که آثار مکتوب نظری در ارتباط با مد را بررسی می‌کند و بیان می‌دارد هیچ‌یک از نظریه‌پردازانی که تنها به دیدگاهی نظری اتکا کرده‌اند نتوانسته‌اند توصیف کامل و رضایت‌بخشی از مد بیان کنند. نظریه‌هایی که در خصوص مصرف‌گرایی متظاهرانه و نیز نظریه لباس به‌مثابه زبان که بعضی از نظریه‌پردازان مطرح کرده‌اند، نقض می‌شوند. فرض اساسی نویسنده این است که تبیین مد در چارچوب مفهوم مدرنیته امکان‌پذیر است. «صنعت مد» عنوان فصل چهارم است که به گزارش و شرح شکل‌گیری و توسعه پوشاک تولیدی و به‌ویژه پیدایش تولید انبوه مدرن از سبک‌های شیک و به‌روز اختصاص یافته است. «مد و امیال جنسی» در فصل پنجم مورد بررسی قرار می‌گیرد. در فصل ششم کتاب، تحت عنوان «جنسیت و هویت»، ارتباط این دو مقوله با مد، مورد توجه نویسنده است. در این فصل، تمایز میان جنسیت و تمایلات جنسی و امر زنانه و امر غریزی بررسی می‌شود. توضیح دو جنسیتی بودن و پوشیدن لباس جنس مخالف در دنیای مد و همچنین شکل‌گیری سلاقی جدید، از دیگر مباحث این بخش است. در فصل هفتم، «مد و زندگی شهری» مورد بررسی قرار می‌گیرد و به تأثیر زندگی بر مد در کلان‌شهرها و توسعه صنعت مد و بررسی پیدایش خرید در جوامع صنعتی پرداخته می‌شود. در فصل هشتم، با عنوان «مد و فرهنگ عامه»، به بررسی تأثیر انواع ورزش‌ها، تفریحات، تئاتر، فیلم، عکاسی و سفر به سبک‌های شیک و مد روز و ارتباط آنها با ایجاد مدهایی با تولید انبوه اختصاص دارد. بحث جدید «مد مقابله‌ای» که از موضوعات جدید در حوزه مطالعات فرهنگی است، در فصل نهم تشریح می‌گردد. در این فصل

۲۰۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

اشکال پادفرهنگی، خرده‌فرهنگی و دیگر اشکال نابه‌هنجار پوششی و شکل‌گیری آنها در جامعه صنعتی و همچنین ارتباط سبک‌های پادفرهنگی با نارضایتی سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. «لباس آرمانی و اصلاحات در لباس» عنوان فصل دهم است. این بخش، با هدف بیان پیشینه کوتاهی از جنبش اصلاح لباسی در قرن نوزدهم، پیشرفت‌های قرن بیستم، بررسی لباس و مد در ادبیات آرمانی و خیالی و تلاش برای براندازی و برچیدن مد، تنظیم شده است. نویسنده، مباحث مربوط به «فمینیسم و مد» را در فصل یازدهم مورد بررسی قرار می‌دهد. در این فصل، دلایل محکومیت مد از جانب فمینیست‌ها تشریح می‌شود. نویسنده معتقد است تلقی مد به عنوان مسئله‌ای اخلاقی، شاهدهی بر بی‌اصالتی، «آگاهی کاذب» یا اطاعت از ارزش‌های دروغین، امری نادرست و نابجاست. فصل دوازدهم، با عنوان «زمان در حال گذر/ تغییر دولت‌ها»، مروری بر پیشرفت‌هایی در عرصه مد و لباس از سال ۱۹۸۵ تاکنون است پیشرفت‌های با ارزش در مطالعه و نظریه‌پردازی راجع به لباس را بررسی می‌کند و سعی دارد تا این تغییرات را در گرایش به لباس و در نمایش و توزیع آن نشان بدهد.

بعد از انقلاب صنعتی دیگر اوقات زندگی بر مبنای ضرورت‌های فصلی و تقویم کشاورزی تقسیم‌بندی نمی‌شد بلکه ساعت‌های روز و شب به گونه‌ای تنظیم شدند که برای استفاده از ماشین‌آلات مناسب باشند. تعطیلات رسمی و جشنواره‌ها بر پایه آگاهی جمعی استوار بودند. اما اینها نیز به تدریج با رابطه دقیق بین کار و فراغت تغییر یافتند. علاوه بر تولید، مصرف نیز سازماندهی شد. توسعه اقتصادی مبنایی برای انقلاب و تحول در آداب و رسوم، باورها و فعالیت‌های روزانه شد؛ بنابراین خود مد نیز باید تبدیل به رسانه‌ای برای بیان ارزش‌های مدرنیته می‌شد. در قرن نوزدهم، جنبشی از نمایش ظاهر به سمت هویت‌گرایی شکل گرفت. دیگر شناخت فرد از طریق عضویت در یک طبقه اجتماعی، صنف یا شغل کافی نبود. بنابراین لباس به ابزاری برای نشان دادن شخصیت فردی بی‌همتا تبدیل شد. همان زمان، مردان و زنان به سوی اشکال جدیدی از گمنامی و ناشناختگی سوق یافتند و در تفاوت‌های غیرشخصی و جنسیتی بسیار حادتر و شدیدتر از قبل گرفتار شدند. با وجود این، اگرچه گمنامی برای زندگی

معرفی کتاب «مد و مدرنیته» ❖ ۲۰۵

شهری ضرورت داشت، اما لباس دائماً در پی از بین بردن آن بود. لباس می‌توانست به‌عنوان ماسک یا ظاهر نمایشی یا هر دو عمل کند.

نویسنده بیان می‌کند: مد هیچ‌گاه کاملاً در خدمت ثروتمندان نبوده است. شواهد و مدارک موجودی که محققان و پژوهشگران این حوزه جمع‌آوری کرده‌اند، حاکی از پیروی روستاییان از مد بوده است. پیشرفت مد در میان مردم با ارتقای استانداردهای بهداشت در قرن ۱۸ همراه بود. در قرن ۱۹ مد، به دور از اینکه لزوماً بیانگر وابستگی شدید زنان به ثروت شوهرانشان باشد، برای زن شاغل به معنای رهایی و استقلال بود که پیش از این هرگز آن را تجربه نکرده بود، زیرا پولی که او به دست می‌آورد به خودش تعلق داشت و برای اولین بار زنان کارگر ابزاری را برای پاسخ گفتن به سلاخی لباسی در اختیار داشتند. بنابراین مد تبدیل به بخشی از وجدان جمعی شد و تولید انبوه لباس، امکان تبدیل آن را به بخشی از فرهنگ عامه پدید آورد. لباس‌های شیک و مد روز به‌عنوان پدیده‌ای در میان عامه مردم و فعالیت تفریحی به شایستگی تحت تأثیر دیگر سرگرمی‌های «عصر ماشین» قرار گرفت. ورزش، موسیقی، سینما، عکاسی و تلویزیون همگی شیوه‌های کاملاً جدیدی را در لباس پوشیدن پدید آوردند. مجلات مد و آگهی‌های تبلیغاتی نیز در این زمینه تأثیر بسزایی داشتند و باعث شدند که مد تبدیل به پدیده‌ای جمعی شود و در دسترس عامه قرار گیرد.

فعالیت‌های روزانه، شغل افراد و بویژه ورزش (ورزش زنان) که در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ بسیار پیشرفت کرد موجب شد، طراحان لباس به فکر طراحی مناسب با این‌گونه فعالیت‌ها شوند. مد در قرن ۲۰ تحت تأثیر مستقیم هنرهای مانند سینما و تئاتر بود.

کتاب مد و مدرنیته درصدد آن است تا نشان دهد «لباس» در نمایش «زندگی» نقش بسیار مهمی دارد و با بررسی فرهنگ‌های مختلف، این موضوع تصدیق می‌شود که با تغییر لباسمان خودمان را تغییر می‌دهیم. در واقع این دگرگونی‌ها و تحولات در بطن مطالعه فرهنگ عامه قرار دارند. فرهنگ عامه نه سنت‌های مردمی مقاومت در برابر این فرایندها و نه اشکالی است که با آنها تلفیق و یا بر آنها تحمیل می‌شود. فرهنگ عامه بستری است که دگرگونی‌ها روی آن شکل می‌گیرند. امروزه هم نقش فرهنگی که لباس

۲۰۶ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

ایفا می‌کند و هم شیوه‌های تهیه آن، تغییرات زیادی پشت سر گذاشته است. «لباس پوشیدن» در جهان مدرن دست‌مایه‌ای است برای سرهم کردن لباس‌ها و ملحقات آن که اغلب خودمان نساخته‌ایم، به‌منظور خلق ظاهری کامل آنها را با هم ترکیب کرده‌ایم. هر فرد کلاژی متحرک یا اثری هنری از مواد بازیافتنی است یا شاید چیزی شبیه سوار کردن همزمان است که در تعامل با مخاطبان خود تغییر می‌کند. ظهور بورژوازی و به همراه آن جامعه مصرفی، موتور محرکی برای توسعه مد فراهم آورد. تجارت لباس‌های آماده در اواخر قرن هفدهم شکوفا گردید و موجب انتشار نخستین مجلات مد شد. در قرن نوزدهم نیز این امر گسترش زیادی پیدا کرد؛ به گونه‌ای که امروزه روزنامه‌ها، مجلات مد، برنامه‌های تلویزیونی و اینترنت، اطلاعات و نظرات وسیعی در زمینه لباس و ظاهر در اختیار ما قرار می‌دهند و همه از تصاویر مد اشباع شده‌اند.

نویسنده در ادامه، مد و لباس را با توجه به تغییر دولت‌ها و ایدئولوژی حاکم بر قلمروی جغرافیایی مناطق مختلف بررسی می‌کند و بیشترین تمرکز نیز بر کشورهای اسلامی است. وی بیان می‌کند: سنت «نیمه‌برهنه بودن» افراد مشهور یکی از اعتراضات اصلی منتقدان مسلمان به فرهنگ غربی است؛ انتقاد از بی‌حیایی و زوال حیا. (ص ۳۴۰) از نظر نویسنده، حجاب و چادر اسلامی هزار سال است که وجود دارد، اما امروزه منحصراً با مناسک مسلمانی در ارتباط است. از دیدگاه غربی، چادر، مد به حساب نمی‌آید که تحت تغییر سبکی سریع قرار گیرد اما اغلب بر روی لباس‌های مد غربی پوشیده می‌شود. چادر می‌تواند به‌مثابه یک «ضد مد» یا شکل دیگری از مد و شکل ثابت و سنتی پوشش در ارتباط با فرهنگ‌های غیر غربی تلقی شود. جغرافیا و همچنین ایدئولوژی، انواع حجاب مورد استفاده در جوامع مختلف را تعیین کرده است؛ مجموعه‌های متنوعی از حجاب و پوشش و واژگان زیادی برای بیان آنها وجود دارد. برای مثال واژه برقع، که امروزه مربوط به افغانستان است، کلمه‌ای عربی است و افغان‌ها بیشتر دوست دارند از لغت چادر برای توصیف لباسی استفاده کنند که کل بدن زن را می‌پوشاند و تنها یک تور مشبک برای دیدن روی صورت قرار دارد و در پاکستان حجاب ممکن است تنها پیچیدن شال به طور کامل روی موها باشد و... .

معرفی کتاب «مد و مدرنیته» ❖ ۲۰۷

ویلسون در ادامه از انقلاب ایران نیز یاد می‌کند و نقش این انقلاب را در جهانی‌تر شدن چادر مطرح می‌نماید. وی معتقد است با پیروزی انقلابیون، بسیاری از زنان جوان و مبارز، مشتاقانه چادر را به‌عنوان نمادی برای انکار رژیم شاه پذیرفتند.

بنابراین مد - به حاشیه رانده شده‌ترین هنرها - در قلب تاریخ، روزگار می‌گذارند. مد، همچون اشیای مادی خاموش و بی‌ادعا، خود را به تجسمی از نفرت‌انگیزترین و مخرب‌ترین عقاید تبدیل می‌کند. به علاوه، آنها که آن را خوار می‌شمارند ممکن است فروید را نیز به دلیل توجه افراطی‌اش به پس مانده‌های جهان‌پدیداری - رؤیاهای طنزها و لغزش‌های زبانی - محکوم کنند. از آنجا که لباس‌ها، همچون پس‌مانده‌ها و زباله‌های هرروزه، بی‌آنکه ما را از مسائل مهم زندگی پنهان یا دور کنند، امر ازلی را در مقابل امر گذارا قرار می‌دهند و یکی از باارزش‌ترین عقاید جامعه به شمار می‌آیند. ناچیز انگاشتن مد، به مثابه امری سطحی و بیهوده، خود سطحی‌ترین نگرش به شمار می‌آید.

نویسنده با مطالعه مد در زندگی شهری و تأثیر فروشگاه‌های بزرگ و مراکز خرید در کلان‌شهرها بویژه پایتخت‌ها در ترویج مد معتقد است، مد همیشه تفاوت اساسی بین پایتخت‌نشین‌ها و ساکنان شهرستان‌ها به وجود می‌آورد. منحصربه‌فرد و شیک بودن به زندگی کلان‌شهری و بدقوارگی به مناطق دورافتاده شهرستانی تعلق داشت که بسیاری از زنان و مردان قهرمان ادبیات قرن نوزدهم آرزوی فرار از آن را داشتند.

البته امروزه مد کمتر به گروه خاصی تعلق دارد و بیشتر با فردگرایی شدید در ارتباط است که یکی از علایم از خود بیگانگی مفرط است؛ بنابراین مد کمتر تأییدکننده برخی اشکال عضویت است تا عاملی مبنی بر جدایی.

مد آشفستگی فرهنگ مدرنیته را منعکس می‌کند که مانند همه هنرهای مدرن بیانگر فرهنگی مخدوش و ناقص است. همان معضلی که هنرهای مدرن دارند شامل مد نیز می‌شود: هدف آن چیست و چگونه باید از آن در جهان «بازتولید مکانیکی» استفاده شود؟ در حالی که، در برخی از حوزه‌ها، هنر والا و فرهنگ عامه‌پسند در فاصله‌ای اندک تغییر موضع بیشتری پیدا کرده‌اند، در لباس، عکس این اتفاق افتاده است و این جایی است که مد با دیگر اشکال هنر تفاوت می‌یابد. مد عالی و فاخر تا حدی همگانی و عمومی شده است. آنچه زمانی شیک بود اکنون به شیک بازاری و عادی تبدیل شده

۲۰۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

است. مد نیز مانند همه هنرها رابطه آشفته‌ای با اخلاقیات دارد و تقریباً همیشه در خطر سرزنش شدن به‌عنوان امری غیراخلاقی است و احتمال دارد مانند سایر هنرها، به بی‌اخلاق‌ترین وجه خود نیز تبدیل شود و این زمانی رخ می‌دهد که در نزدیک‌ترین حالت به حقیقت خویش قرار می‌گیرد. ما باید از لباس برای کشف و بیان آرزوهای متهورانه خود استفاده کنیم. مد، تردید برانگیز است، زیرا وقتی ما لباس می‌پوشیم نقشی بر بدنمان می‌پوشانیم که اغلب رابطه مبهم میان هنر، روان‌شناسی شخصی و نظم اجتماعی است و به این علت است که ما همیشه با مد مشکل داریم و از آن نقش، به دلیل ترس از یافتن چیزی که ممکن است در تصاویرش باشد، نهفته می‌گیریم، چیزی که در زیر معمای مونا لیزاگونه‌اش پنهان شده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی